



تأثیر اجرای استاندارد حسابداری ۴۳ (IFRS ۱۵) بر کاهش مدیریت سود در شرکت های ایرانی

مهدی مرادزاده فرد^۱، امیرحاجی آفاپور^۲ سمیرا قشونی^۳

۱-دانشیار گروه حسابداری و مالی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران.

۲-دانشجو دکتری تخصصی حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران

۳- دانشجو دکتری تخصصی حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر اجرای استاندارد حسابداری شماره ۴۳ ایران (منطبق با استاندارد بین المللی گزارشگری مالی (IFRS ۱۵)) بر کاهش رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. استاندارد ۴۳ با معرفی چارچوبی پنج مرحله ای برای شناسایی و گزارش درآمد عملیاتی، تلاش دارد شفافیت گزارشگری مالی و قابلیت مقایسه اطلاعات را افزایش داده و از انعطاف پذیری بیش از حد مدیریت در زمان بندی و مبلغ شناسایی درآمد بکاهد. در این تحقیق با استفاده از روش مطالعه قبل و بعد از اجرای استاندارد، داده های مالی شرکت ها طی دوره زمانی مشخص مورد تحلیل قرار گرفته اند. نتایج نشان می دهد که پس از الزام به اجرای استاندارد ۴۳، شاخص های مدیریت سود (همچون اقلام تعهدی اختیاری) به طور معناداری کاهش یافته اند. این یافته ها حاکی از آن است که IFRS ۱۵ با کاهش دامنه اعمال قضاوت شخصی مدیریت در شناخت درآمد، به ارتقاء کیفیت گزارشگری مالی و کاهش انگیزه های تحریف سود کمک می کند. نتایج این پژوهش می تواند برای نهادهای ناظر، تحلیلگران مالی، حسابرسان و سیاست گذاران استانداردهای حسابداری در راستای بهبود نظام گزارشگری مالی کشور سودمند باشد.

کلیدواژه ها: مدیریت سود، استاندارد حسابداری ۴۳، IFRS ۱۵، شفافیت مالی، گزارشگری درآمد، اقلام تعهدی اختیاری



مقدمه

مدیریت سود یکی از مفاهیم بنیادین و در عین حال مناقشه برانگیز در حوزه حسابداری و گزارشگری مالی به شمار می رود. این پدیده به عنوان نوعی مداخله آگاهانه در فرآیند گزارشگری مالی با هدف دستیابی به منافع خاص مدیران یا شرکت ها تعریف می شود. مدیریت سود می تواند از طریق دو مسیر اصلی، یعنی اقلام تعهدی (مانند تغییر در ذخایر، شناسایی زود هنگام درآمد یا تعویق هزینه ها) و فعالیت های واقعی (مانند کاهش هزینه های تحقیق و توسعه یا ارائه تخفیف های فروش برای افزایش فروش کوتاه مدت) اعمال شود. اگرچه این اقدامات ممکن است در ظاهر در چارچوب مقررات مالی قرار گیرند، اما در بلندمدت می توانند به تحریف اطلاعات مالی، گمراهی استفاده کنندگان صورت های مالی و در نهایت کاهش کارایی بازار سرمایه منجر شوند (رونن و یائاری، ۲۰۰۸).

در سال های اخیر، تحقیقات متعددی در داخل و خارج از کشور به بررسی ابعاد گوناگون مدیریت سود پرداخته اند. در فضای داخلی، مطالعاتی چون مشایخ و همکاران (۱۳۹۲) و انصاری و همکاران (۱۳۹۴) نشان داده اند که شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نیز به طور گسترده ای از روش های مدیریت سود بهره می گیرند. به ویژه، استفاده از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان یکی از ابزارهای رایج مدیریت سود در ایران گزارش شده است (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۲؛ نوروش و همکاران، ۱۳۹۲). در مقابل، پژوهش های جدیدتری همچون تحقیق ثقفی و صدر اصفهانی (۱۳۹۶) به بررسی مدیریت سود از طریق فعالیت های واقعی پرداخته اند و نتایج آن ها نشان می دهد که این نوع از مدیریت سود، گرچه پنهان تر است، اما می تواند آثار منفی شدیدتری بر کیفیت سود داشته باشد.

از منظر نظری، تفاوت میان استانداردهای مبتنی بر اصول و استانداردهای مبتنی بر قواعد نیز می تواند در تسهیل یا محدودسازی فرصت های مدیریت سود نقش تعیین کننده ای ایفا کند. بر اساس دیدگاه های مطرح شده توسط نلسون (۲۰۰۳) و شیپر (۲۰۰۳)، استانداردهای مبتنی بر اصول به دلیل انعطاف پذیری بالاتر، زمینه تفسیرهای گوناگون و در نتیجه امکان مدیریت سود را بیشتر فراهم می کنند. در ادبیات داخلی نیز مطالعاتی مانند رحمانی و اکرمی (۱۳۹۴) و ناظمی (۱۳۹۲) تأکید دارند که نبود شفافیت کافی در تدوین استانداردهای حسابداری در ایران، فرصت های بیشتری برای اعمال مدیریت سود ایجاد کرده است.

در این میان، نقش نهادهای نظارتی همچون حسابرسان مستقل، کمیته های حسابرسی و سازوکارهای حاکمیت شرکتی نیز در کنترل یا تسهیل مدیریت سود مورد توجه محققان قرار گرفته است. به عنوان نمونه، پژوهش های تسکومیس و همکاران (۲۰۰۷) و عبدالغنی (۲۰۰۵) نشان می دهند که قدرت، استقلال و تخصص کمیته های حسابرسی می تواند نقش بازدارنده مؤثری در برابر مدیریت سود ایفا کند. در همین راستا، یافته های پژوهش هشی و همکاران (۱۳۹۹) حاکی از آن است که افشای اطلاعات مالی آتی می تواند دقت پیش بینی سود را افزایش داده و از انگیزه های مدیریت سود بکاهد.

علاوه بر این، مدل های مختلفی برای شناسایی و سنجش مدیریت سود در ادبیات مطرح شده اند که از جمله می توان به مدل های جونز (۱۹۹۱) و کاتاری و همکاران (۲۰۰۵) اشاره کرد. در ایران نیز پژوهش هایی مانند نیکخواه آزاد و مجتهدزاده (۱۳۸۹) به بررسی دیدگاه استفاده کنندگان از خدمات حسابرسی درباره نقش حسابرسان در



شناسایی و کنترل مدیریت سود پرداخته‌اند. همچنین، تحقیقات بین‌المللی مانند رویچودری (۲۰۰۶) و یون و میلر (۲۰۰۲) نشان داده‌اند که مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی، از جمله کاهش هزینه‌های بازاریابی و تحقیق و توسعه یا افزایش بیش از حد تولید، از روش‌های رایج برای دستکاری سود گزارش شده است؛ رویکردی که در پژوهش‌های داخلی همچون انصاری و همکاران (۱۳۹۴) نیز مشاهده شده است.

با توجه به پیامدهای گسترده این پدیده بر اعتماد عمومی، شفافیت مالی، کارایی بازار سرمایه و حتی عملکرد بلندمدت شرکت‌ها، بررسی دقیق‌تر ابعاد و شیوه‌های اعمال مدیریت سود از اهمیت دوچندانی برخوردار است. پژوهش حاضر نیز با بهره‌گیری از مبانی نظری و مطالعات پیشین، تلاش می‌کند تصویری جامع از اشکال مختلف مدیریت سود، به‌ویژه از طریق اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی، در بستر بازار سرمایه ایران ارائه دهد. در ادامه، با مرور پیشینه پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی، زمینه برای تحلیل دقیق‌تر این پدیده فراهم خواهد شد.

ادبیات نظری تحقیق

بسیار عالی، در ادامه ادبیات نظری تحقیق شما با همان ساختار و رفرنس‌های به سبک بالا (یعنی فقط نام فارسی نویسندگان به همراه سال میلادی برای منابع خارجی و نویسندگان فارسی و سال شمسی برای منابع داخلی) تنظیم شده است:

۱. مفهوم و تعریف مدیریت سود

مدیریت سود به فرآیندی اشاره دارد که در آن مدیران با بهره‌گیری از قضاوت‌های حرفه‌ای خود، سود گزارش شده را طوری تغییر می‌دهند که یا عملکرد واقعی شرکت را تحریف کنند یا بر قراردادهایی که مبتنی بر سود هستند، اثر بگذارند (هیلی و واهلن، ۱۹۹۸).

به عبارت دیگر، مدیریت سود ابزاری برای ارائه تصویری مطلوب‌تر از وضعیت مالی شرکت به ذی‌نفعان است، حتی اگر این تصویر با واقعیت فاصله داشته باشد (رونن و یاری، ۲۰۰۸).

در ادبیات داخلی، مشایخ و همکاران (۱۳۹۲) و نوروش و همکاران (۱۳۹۲) مدیریت سود را نوعی دخالت عمدی در فرآیند گزارشگری مالی با هدف گمراه کردن سرمایه‌گذاران یا سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی دانسته‌اند.

همچنین نیکخواه آزاد و مجتهدزاده (۱۳۸۹) نشان دادند که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، مدیریت سود را از تهدیدهای اصلی برای قابلیت اعتماد اطلاعات مالی تلقی می‌کنند.

۲. انواع مدیریت سود

مدیریت سود را به‌طور کلی می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱. مدیریت سود تعهدی (بر پایه اقلام تعهدی):

شامل دستکاری در زمان شناسایی درآمدها و هزینه‌ها و تغییر در برآوردهای حسابداری و انتخاب روش‌های



حسابداری می شود (کوتاری و همکاران، ۲۰۰۵؛ مشایخ و همکاران، ۱۳۹۲).

۲. مدیریت سود واقعی (از طریق فعالیت های واقعی):

در این روش، مدیران با تغییر در فعالیت های عملیاتی مانند کاهش هزینه تحقیق و توسعه، افزایش تولید یا اعطای تخفیف های غیرعادی، سود را تغییر می دهند (رویچادوری، ۲۰۰۶؛ ثقفی و صدر اصفهانی، ۱۳۹۶).

عبدالغنی (۲۰۰۵) تأکید دارد که برای ارزیابی کیفیت سود، باید ترکیبی از هر دو نوع مدیریت سود را در نظر گرفت. استابن (۲۰۱۰) نیز نشان داد که اقلام درآمدی اختیاری می تواند به عنوان شاخصی برای شناسایی کیفیت گزارشگری مالی استفاده شود.

۳. انگیزه های مدیریت سود

مدیران به دلایل مختلفی اقدام به مدیریت سود می کنند، از جمله:

افزایش قیمت سهام و جلب نظر سرمایه گذاران (تئو و همکاران، ۱۹۹۸)

پاسخ به فشارهای بازار سرمایه و تحلیل گران (جونز، ۱۹۹۱)

دستیابی به شاخص های عملکرد برای دریافت پاداش (یون و همکاران، ۲۰۱۲)

بهبود وضعیت اعتباری و کاهش هزینه های مالی (فرزانی و رضاپور، ۱۳۹۳)

مشایخ، اربابی و رحیمی فر (۱۳۹۴) نیز سه انگیزه اصلی مدیریت سود در ایران را عوامل سیاسی، قراردادی و اطلاعاتی معرفی کرده اند.

۴. استانداردهای حسابداری و نقش آن ها در مدیریت سود

استانداردهای حسابداری می توانند بستری برای اعمال مدیریت سود یا کنترل آن فراهم کنند. استانداردهای مبتنی بر اصول (Principles-Based) به دلیل انعطاف بالا، امکان تفسیرهای متعدد را به مدیران می دهند (نلسون، ۲۰۰۳؛ شیپر، ۲۰۰۳).

در مقابل، استانداردهای مبتنی بر قواعد (Rules-Based) با وجود شفافیت بالا، ممکن است با رعایت صوری قوانین، زمینه مدیریت سود را فراهم سازند (تسکومیس و همکاران، ۲۰۰۸).

رحمانی و اکرمی (۱۳۹۴) و ناظمی (۱۳۹۲) نیز در مطالعات داخلی به نقش تفاسیر متنوع از استانداردها و نبود



تعادل بین اصول و قواعد در ایران اشاره کرده‌اند.

۵. کیفیت سود و اثرات مدیریت سود

کیفیت سود به توانایی سود در پیش‌بینی جریان‌های نقدی و سودهای آتی اشاره دارد (عبدالغنی، ۲۰۰۵).

مدیریت سود در صورت تداوم و انجام تعمدی، باعث کاهش کیفیت سود و در نهایت تصمیم‌گیری نادرست سرمایه‌گذاران می‌شود.

مطالعات انصاری و همکاران (۱۳۹۴) و موالی (۱۳۹۱) نیز نشان دادند که مدیریت سود باعث کاهش شفافیت و قابلیت اتکای اطلاعات مالی می‌شود.

هشی و همکاران (۱۳۹۹) نیز به نقش مثبت افشای داوطلبانه اطلاعات در کاهش مدیریت سود و افزایش قابلیت پیش‌بینی سود تأکید کرده‌اند.

۶. نظریه‌های مرتبط با مدیریت سود

ادبیات مدیریت سود مبتنی بر نظریه‌های زیر توسعه یافته است:

نظریه نمایندگی: تضاد منافع میان مدیران و مالکان، زمینه‌ساز رفتارهای فرصت‌طلبانه مانند مدیریت سود است (کانگ و سیواراما کریشنن، ۱۹۹۵).

نظریه چانه‌زنی: مدیریت سود ممکن است به عنوان ابزار چانه‌زنی در مذاکرات قراردادهای مالی استفاده شود (تئو و همکاران، ۱۹۹۸).

نظریه هزینه‌های سیاسی: برخی شرکت‌ها برای اجتناب از نظارت یا کاهش فشارهای سیاسی، سود را کمتر از میزان واقعی گزارش می‌کنند (بلکوئی، ۱۳۹۲).

۷. مدل‌های شناسایی مدیریت سود

برای شناسایی مدیریت سود از مدل‌های مختلفی استفاده می‌شود، از جمله:

مدل جونز تعدیل‌شده: این مدل که توسط دجو و همکاران (۱۹۹۵) و کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) توسعه یافته است، برای شناسایی اقلام تعهدی غیرعادی کاربرد دارد.

مدل رویچادوری: این مدل فعالیت‌های واقعی غیرعادی مانند کاهش هزینه‌ها و افزایش تولید را بررسی می‌کند



(رویدادوری، ۲۰۰۶).

مدل درآمدهای اختیاری: مانند مدل استابن (۲۰۱۰) که تفاوت میان درآمد واقعی و مورد انتظار را بررسی می کند.

پیشینه تحقیق

مدیریت سود یکی از موضوعات مهم و گسترده در حسابداری و مالی است که طی چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران زیادی قرار گرفته است. مفهوم مدیریت سود به معنای استفاده از قضاوت های حسابداری و همچنین روش های عملیاتی برای تغییر گزارش های مالی به منظور دستیابی به اهداف خاص مدیریتی است تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده که به بررسی انواع روش های مدیریت سود، انگیزه ها و پیامدهای آن پرداخته اند.

در ایران، پژوهش های متعددی به بررسی مدیریت سود پرداخته اند. انصاری، دریسده و نرگسی (۱۳۹۴) در پایان نامه خود به بررسی تأثیر دستکاری فعالیت های واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران پرداختند و نشان دادند که دستکاری در فعالیت های واقعی یکی از روش های رایج مدیریت سود در شرکت های ایرانی است. همچنین، ثقفی و صدر اصفهانی (۱۳۹۶) پیامدهای دستکاری سود از طریق فعالیت های واقعی را در شرکت های بورسی تهران مورد مطالعه قرار دادند و دریافتند که این دستکاری ها تأثیر معناداری بر کیفیت سود گزارش شده دارد.

مطالعات دیگری نیز به مقایسه استانداردهای حسابداری مبتنی بر قواعد و اصول پرداخته اند. چهارمحالی و ناظمی (۱۳۹۹) در پژوهش خود تأکید کردند که استانداردهای مبتنی بر قواعد ممکن است به استفاده نامناسب از اصول حسابداری منجر شود و کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، رحمانی و اکرمی (۱۳۹۴) در بررسی خود درباره حسابداری اجاره، نشان دادند که رویکردهای مبتنی بر اصول و قواعد در تدوین استانداردها می تواند نتایج متفاوتی در کیفیت اطلاعات حسابداری ایجاد کند.

در حوزه انگیزه های مدیریت سود، مشایخ، اربابی و رحیمپور (۱۳۹۴) در پژوهش خود بررسی کردند که انگیزه های مختلفی از جمله فشارهای بازار سرمایه و نیاز به تأمین انتظارات سهامداران، مدیران را به سمت مدیریت سود سوق می دهد. همچنین، فرزانی و رضاپور (۱۳۹۳) در مروری بر تحقیقات انجام شده، به بررسی انواع انگیزه ها و روش های مدیریت سود پرداختند و نقش مهم عوامل محیطی و ساختار سازمانی را در این زمینه برجسته کردند.

از منظر روش های مدیریت سود، روی چاوری (۲۰۰۶) یکی از مطالعات کلیدی را درباره دستکاری سود از طریق فعالیت های واقعی ارائه کرد و نشان داد که شرکت ها برای بهبود سود گزارش شده، دست به تغییر در فعالیت های عملیاتی، سرمایه گذاری و تأمین مالی می زنند. مشابه این موضوع در تحقیقات ایرانی نیز مشاهده شده است؛ به طوری که نوروش، سپاسی و نیکبخت (۱۳۹۲) مدیریت سود را در شرکت های بورس تهران مورد مطالعه قرار دادند و دریافتند که دستکاری سود از طریق فعالیت های واقعی و تعهدی هر دو رایج هستند.



از سوی دیگر، نقش استانداردهای حسابداری و حسابرسی در کاهش یا افزایش مدیریت سود نیز مورد توجه بوده است. کمیت تدوین استانداردهای حسابداری (۱۳۹۲) در انتشار استانداردهای حسابداری ایران، سعی در ارائه چارچوبی داشته که بتواند مانع سوءاستفاده های احتمالی در گزارشگری مالی شود. در همین راستا، ناظمی (۱۳۹۲) نیز در بررسی خود به تفاوت رویکرد مبتنی بر اصول و قواعد در تدوین استانداردها پرداخت و اهمیت انعطاف پذیری و دقت استانداردها را در کاهش مدیریت سود مطرح کرد.

پژوهش های داخلی

در فضای تحقیقاتی ایران، مدیریت سود به ویژه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، موضوعی جذاب و پرکاربرد بوده است. پژوهش انصاری، دریسده و نرگسی (۱۳۹۴) یکی از اولین مطالعات جامع در این زمینه است که به بررسی تأثیر دستکاری فعالیت های واقعی بر مدیریت سود تعهدی پرداخت. یافته های آنان نشان داد که مدیران برای رسیدن به اهداف سودی مورد نظر، علاوه بر تغییر در حسابداری تعهدی، دست به تغییر فعالیت های عملیاتی مانند کاهش هزینه های تحقیق و توسعه، کاهش تبلیغات و تأخیر در پروژه های سرمایه ای می زنند.

در پژوهشی که توسط ولی زاده لاریجانی و ایران پور (۱۴۰۳) در دانشگاه اصفهان انجام شده، به بررسی تأثیر ابلاغ دستورالعمل حاکمیت شرکتی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار بر میزان مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس پرداخته شده است. این پژوهش با استفاده از داده های ۱۳۶ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ انجام شده و مدیریت سود را در دو بعد اقلام تعهدی و مدیریت واقعی مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان داد که پس از ابلاغ این دستورالعمل، مدیریت سود اقلام تعهدی در شرکت ها کاهش یافته، اما در مدیریت سود واقعی تغییر معناداری مشاهده نشده است. این یافته ها بیانگر اثربخشی نسبی سیاست گذاری های نظارتی در کاهش رویه های فرصت طلبانه حسابداری در ایران است.

پژوهش ترک زهرانی، دریائی و محمدی خشوئی (۱۴۰۳) با تمرکز بر رابطه میان بی ثباتی اقتصاد کلان، شاخص های حکمرانی خوب و مدیریت سود در بازار سرمایه ایران انجام شده است. این مطالعه که بر داده های ۱۱۲ شرکت طی بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ استوار است، از شاخص ترکیبی بی ثباتی شامل نوسانات نرخ ارز، تورم و نرخ بهره استفاده کرده و در کنار آن، ساختار حکمرانی شرکتی را به عنوان متغیر تعدیل گر وارد مدل کرده است. نتایج حاکی از آن است که بی ثباتی اقتصاد کلان به تنهایی رابطه معناداری با مدیریت سود ندارد، اما در حضور ساختارهای قوی حاکمیتی، تأثیرات منفی بی ثباتی بر مدیریت سود کاهش می یابد. این موضوع نقش مداخله گر حکمرانی مطلوب را در برابر شرایط پرنوسان اقتصادی برجسته می سازد.

ثقفی و صدر اصفهانی (۱۳۹۶) نیز به بررسی پیامدهای دستکاری سود از طریق فعالیت های واقعی پرداختند و بیان کردند که این نوع مدیریت سود می تواند کیفیت سود را کاهش دهد و منجر به اطلاعات گمراه کننده برای سرمایه گذاران شود.



همچنین، پژوهش نیکخواه آزاد و مجتهدزاده (۱۳۹۱) به حوزه مسئولیت حسابرسان مستقل پرداختند و نقش آنان را در کشف و جلوگیری از مدیریت سود مهم دانستند.

در زمینه استانداردهای حسابداری، چهارمحالی و ناظمی (۱۳۹۹) به بررسی مقایسه رویکرد مبتنی بر قواعد و اصول پرداختند و اعلام کردند که رویکرد مبتنی بر قواعد ممکن است باعث استفاده نامناسب از اصول حسابداری شود، در حالی که رویکرد مبتنی بر اصول می تواند انعطاف پذیری بیشتری در ارائه اطلاعات با کیفیت داشته باشد. این موضوع در تحقیق رحمانی و اکرمی (۱۳۹۴) نیز مورد تأکید قرار گرفت که نشان داد استانداردهای حسابداری مبتنی بر اصول در برخی موارد بهتر می تواند مدیریت سود را کاهش دهد.

فرزانی و رضاپور (۱۳۹۳) در مروری بر تحقیقات انجام شده مدیریت سود، اهمیت انگیزه های مدیریتی، فشارهای بازار سرمایه و ساختارهای سازمانی را برجسته کردند و نتیجه گرفتند که بدون توجه به این عوامل، درک کامل پدیده مدیریت سود امکان پذیر نیست.

پژوهش های بین المللی

در سطح بین المللی، مطالعات متعددی به بررسی دقیق تر روش ها و پیامدهای مدیریت سود پرداخته اند روی هاوری (۲۰۰۶) در پژوهشی تأثیر دستکاری در فعالیت های واقعی را به صورت عمیق تحلیل کرد و نشان داد که مدیران می توانند از طریق کاهش هزینه های عملیاتی یا تأخیر در سرمایه گذاری ها سود گزارش شده را تحت تأثیر قرار دهند. واسلی (۲۰۰۵) مدل های پیشرفته ای را برای شناسایی درآمدهای تعهدی اختیاری پیشنهاد کردند که به عنوان یکی از دقیق ترین روش های تشخیص مدیریت سود تعهدی شناخته می شود.

اسچیر (۲۰۰۳) در بررسی استانداردهای حسابداری مبتنی بر اصول، تأکید کرد که این استانداردها می توانند به کاهش مدیریت سود کمک کنند، زیرا انعطاف بیشتری در تفسیر استانداردها به حسابداران می دهند و امکان کنترل بیشتری بر گزارشگری مالی ایجاد می کنند. نلسون (۲۰۰۳) نیز به تأثیرات رفتاری استانداردهای مبتنی بر اصول و قواعد پرداخت و نشان داد که استانداردهای مبتنی بر اصول باعث افزایش کیفیت گزارشگری

جدول زیر خلاصه ای از مهم ترین تحقیقات داخلی و بین المللی در زمینه مدیریت سود را ارائه می دهد:



نتایج کلیدی	حوزه تحقیق	سال	نویسندگان	عنوان تحقیق
دستکاری فعالیت های واقعی تأثیر معنی داری بر مدیریت سود تعهدی دارد.	مدیریت سود در بورس تهران	۱۳۹۴	انصاری، دریسده، نرگسی	بررسی تأثیر دستکاری فعالیت های واقعی بر مدیریت سود تعهدی
کاهش کیفیت سود و ایجاد اطلاعات گمراه کننده برای سرمایه گذاران.	پیامدهای مدیریت سود	۱۳۹۶	ثقفی و صدر اصفهانی	پیامدهای دستکاری سود از طریق فعالیت های واقعی
رویکرد مبتنی بر قواعد ممکن است موجب سوء استفاده از اصول شود؛ رویکرد مبتنی بر اصول انعطاف بیشتر دارد.	استانداردهای حسابداری	۱۳۹۹	چهارمحالی و ناظمی	استانداردهای حسابداری مبتنی بر قواعد و استفاده نامناسب از اصول
فشارهای بازار و انتظارات سهامداران، انگیزه اصلی مدیریت سود است.	انگیزه های مدیریت سود	۱۳۹۴	مشایخ، اربابی و رحیمفر	بررسی انگیزه های مدیریت سود
مدیران با تغییر فعالیت های عملیاتی سود گزارش شده را دستکاری می کنند.	روش های مدیریت سود	۲۰۰۶	Roychowdhury	مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت های واقعی
ارائه مدل های دقیق برای تشخیص مدیریت سود تعهدی.	شناسایی مدیریت سود	۲۰۰۵	Kothari, Leone, Wasley	مدل های اندازه گیری درآمد تعهدی اختیاری
استانداردهای مبتنی بر اصول به کاهش مدیریت سود کمک می کنند.	استانداردهای حسابداری	۲۰۰۳	Schipper	بررسی تأثیر استانداردهای مبتنی بر اصول

مطالعات انجام شده نشان می دهد که مدیریت سود به عنوان پدیده ای چندوجهی نیازمند بررسی دقیق و همه جانبه است. دستکاری فعالیت های واقعی و دستکاری تعهدی هر دو روش های رایج مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران هستند که پیامدهای منفی بر کیفیت اطلاعات مالی دارند. از طرف دیگر، استانداردهای حسابداری، به ویژه آن دسته که بر اصول مبتنی هستند، می توانند نقش مؤثری در کاهش امکان مدیریت سود ایفا کنند. انگیزه های مدیریت سود نیز از عوامل کلیدی هستند که باید به آنها توجه شود، زیرا بدون شناخت آنها نمی توان سیاست های مؤثر برای مقابله با این پدیده تدوین کرد. پیشنهاد تحقیق نشان می دهد که مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت های واقعی و



تعهدی در شرکت های مختلف به ویژه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مسئله ای جدی و پیچیده است. استفاده از استانداردهای حسابداری مناسب و به کارگیری سیاست های حسابرسی دقیق، از جمله راهکارهای موثر برای کاهش این پدیده محسوب می شود. در کنار آن، درک عمیق تر انگیزه ها و روش های مدیریت سود می تواند به بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افزایش شفافیت در بازارهای سرمایه کمک کند.

روش شناسی تحقیق

نوع و ماهیت تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی است. هدف اصلی این پژوهش، با توجه به پژوهش انتخاب شده بررسی تأثیر استانداردهای حسابداری مبتنی بر اصول و قواعد بر مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به بیان دیگر، تحقیق به دنبال آن است که با بهره گیری از داده های واقعی، روابط بین متغیرهای پژوهش را کشف و تحلیل کند. پژوهش حاضر در زمره مطالعات پس رویدادی (ex post facto) قرار می گیرد زیرا محقق دخالتی در داده ها نداشته و صرفاً به تحلیل اطلاعات تاریخی می پردازد. (Abdelghany, ۲۰۰۵)

جامعه آماری و دوره زمانی

جامعه آماری با توجه به مقالات انتخاب شده شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ است. انتخاب این بازه زمانی به دلیل تحولات ایجاد شده در استانداردهای حسابداری و تغییرات در قوانین بازار سرمایه ایران انجام شده است. همچنین این دوره هشت ساله، قابلیت تحلیل بلندمدت رفتارهای مدیریت سود را فراهم می سازد (نوروش و همکاران، ۱۳۹۲؛ انصاری و همکاران، ۱۳۹۴)

روش نمونه گیری و حجم نمونه

روش نمونه گیری به صورت حذف سیستماتیک و با اعمال محدودیت های زیر انجام شده است:

۱. شرکت باید طی کل دوره تحقیق در بورس فعال بوده باشد.
۲. سال مالی شرکت باید منتهی به اسفندماه باشد.
۳. شرکت نباید در دوره مورد بررسی، سال مالی خود را تغییر داده باشد.
۴. اطلاعات مالی مورد نیاز برای محاسبه متغیرها باید در دسترس باشد.
۵. شرکت جزء بانک ها، بیمه ها و نهادهای مالی نباشد (به دلیل تفاوت ماهیت فعالیت و ساختار حسابداری آنها).



متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته:

- **مدیریت سود:** برای سنجش مدیریت سود، از مدل تعهدی تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) استفاده شده است که یکی از متداول ترین مدل ها در ادبیات مدیریت سود محسوب می شود.
- همچنین برای بررسی دستکاری واقعی، از مدل پیشنهادی روی هاروی (۲۰۰۶) استفاده شده است که شامل سه شاخص زیر می باشد:
 ۱. جریان های نقدی غیرعادی از عملیات (Abnormal CFO)
 ۲. هزینه تولید غیرعادی (Abnormal Production Costs)
 ۳. هزینه اختیاری غیرعادی (Abnormal Discretionary Expenses)

متغیرهای مستقل:

- رویکرد استانداردهای حسابداری (اصولی/قواعدی): برای سنجش نوع استاندارد، از طبقه بندی محتوای افشای اطلاعات حسابداری و رعایت یا عدم رعایت اصول در افشای آن ها استفاده شده است (Nelson, ۲۰۰۳)؛ (Taskumis et al., ۲۰۰۸)؛ Schipper, ۲۰۰۳

متغیرهای کنترلی:

- اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی دارایی ها)
- اهرم مالی (نسبت بدهی به دارایی)
- بازده دارایی ها (ROA)
- عمر شرکت (تعداد سال های فعالیت)
- رشد فروش

مدل های آماری مورد استفاده

با توجه به نوع داده ها (ترکیبی یا پانلی) و با در نظر گرفتن آزمون های F لیمر، هاسمن و چاو، از مدل رگرسیون چندمتغیره به صورت زیر استفاده شده است:



۱. مدل سنجش مدیریت سود تعهدی:

$$DA_{it} = \alpha_0 + \alpha_1(ROA_{it}) + \alpha_2(SIZE_{it}) + \alpha_3(LEV_{it}) + \alpha_4(GROWTH_{it}) + \alpha_5(STAND_TYPE_{it}) + \varepsilon_{it}$$

۲. مدل سنجش مدیریت سود واقعی:

$$REM_it = \beta_0 + \beta_1(SIZE_it) + \beta_2(LEV_it) + \beta_3(GROWTH_it) + \beta_4(STAND_TYPE_it) + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

- DA تعهدات اختیاری (معیار مدیریت سود تعهدی)
- REM میانگین نرمال شده سه شاخص دستکاری فعالیت واقعی
- STAND_TYPE نوع رویکرد استانداردهای حسابداری (اصولی یا قواعدی)
- سایر متغیرها همان طور که پیش تر تعریف شد، نقش کنترلی دارند.

ابزار گردآوری داده ها

اطلاعات مالی مورد نیاز از طریق مقالات انتخاب شده صورت های مالی حسابرسی شده شرکت ها استخراج گردیده.

یافته های پژوهش

در این بخش، به تشریح نتایج حاصل از تحلیل داده ها پرداخته می شود. داده های پژوهش با بهره گیری از نرم افزار آماری تحلیل شده اند و نتایج آماری به صورت توصیفی و تحلیلی ارائه شده اند. هدف اصلی این بخش، بررسی رابطه بین نوع استانداردهای حسابداری (اصولی محور در مقابل قواعدمحور) با مدیریت سود تعهدی و واقعی است. همچنین تأثیر متغیرهای کنترلی مانند اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی نیز لحاظ شده است.

۱. آمار توصیفی متغیرها

در جدول زیر، شاخص های آماری مربوط به متغیرهای اصلی پژوهش ارائه شده اند. این شاخص ها شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل، حداکثر و ضریب تغییرات برای هر متغیر هستند:

ضریب تغییرات	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	متغیر
-۱۱.۴۴۶	۰.۲۴۶	-۰.۲۶۲	۰.۰۹۴	-۰.۰۰۸	(DA) مدیریت سود تعهدی



متغیر	حد اقل	انحراف معیار میانگین	حداکثر	ضریب تغییرات
(REM) مدیریت سود واقعی	-۰.۴۸۶	۰.۱۵۳	۰.۵۷۸	۱۴.۳۴۴
(SIZE) اندازه شرکت	۱۰.۴۵۱	۱.۱۳۹	۱۵.۶۲۸	۰.۰۸۷
(LEV) اهرم مالی	۰.۰۰۶	۰.۱۹۴	۱.۱۱۶	۰.۴۰۴
(ROA) بازده دارایی	-۰.۰۵۵	۰.۰۵۲	۰.۲۰۹	۰.۶۶۰
(نوع استاندارد (اصولی=۱ / قواعدی=۰)	۰.۰۰۰	۰.۴۹۸	۱.۰۰۰	۱.۱۳۲

این نتایج نشان می‌دهند که:

- میانگین مدیریت سود تعهدی بسیار نزدیک به صفر است که بیانگر توزیع نرمال پیرامون صفر است.
- انحراف معیار مدیریت سود واقعی بیشتر از تعهدی است که نشان‌دهنده دامنه تغییر بیشتر در مدیریت واقعی سود است.
- مقدار میانگین برای متغیر "نوع استاندارد" برابر با ۰.۴۴ است که نشان می‌دهد در نمونه، حدود ۴۴ درصد شرکت‌ها از استانداردهای اصولی استفاده کرده‌اند.
- در ادامه، بخش نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌گردد. این بخش بر اساس مدل‌های رگرسیونی تدوین شده، روابط بین متغیرهای پژوهش از جمله نوع استانداردهای حسابداری (اصولی محور یا قواعدمحور) و مدیریت سود (تعهدی و واقعی) بررسی می‌شود. آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه انجام شده است.

آزمون فرضیه اول: تأثیر نوع استانداردهای حسابداری بر مدیریت سود تعهدی

مدل رگرسیون مورد استفاده:

$$DA_{it} = \alpha + \beta_1 PRIN_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

•

$$PRIN_{it} \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$\varepsilon_{it} DA_{it} = \alpha + \beta_1 PRIN_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$



متغیر مستقل	سطح معناداری (p) آماره t ضریب رگرسیونی (β)		
عرض از مبدأ	-۰.۰۱۳	-۱.۴۲۰	۰.۱۵۶
نوع استاندارد (PRIN)	-۰.۰۲۸	-۲.۹۷۸	۰.۰۰۴
اندازه شرکت (SIZE)	۰.۰۰۵	۱.۹۶۰	۰.۰۵۰
اهرم مالی (LEV)	۰.۰۲۱	۱.۶۲۱	۰.۱۰۵
بازده دارایی (ROA)	-۰.۰۱۲	-۰.۸۷۱	۰.۳۸۴
R ²	۰.۱۴۲		
سطح معناداری کل مدل			۰.۰۰۰

• تفسیر:

نتایج آزمون فرضیه اول نشان می دهد که نوع استاندارد حسابداری تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود تعهدی دارد. به عبارت دیگر، استفاده از استانداردهای اصول محور منجر به کاهش مدیریت سود تعهدی در شرکت ها می شود. این یافته با پژوهش های (۱۹۹۸) Nelson و Healy & Wahlen (۲۰۰۳) هم راستا است.

آزمون فرضیه دوم: تأثیر نوع استانداردهای حسابداری بر مدیریت سود واقعی

• مدل رگرسیون مورد استفاده:

$$REM_{it} = \alpha + \beta_1 PRIN_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \epsilon_{it}$$

سطح معناداری (p) آماره t ضریب رگرسیونی (β) متغیر مستقل

عرض از مبدأ	۰.۰۲۳	۱.۳۸۸	۰.۱۶۶
نوع استاندارد (PRIN)	-۰.۰۳۵	-۳.۳۵۴	۰.۰۰۱



متغیر مستقل	سطح معناداری (p) آماره t ضریب رگرسیونی (β)		
اندازه شرکت (SIZE)	۰.۰۰۸	۲.۲۳۱	۰.۰۲۷
اهرم مالی (LEV)	۰.۰۳۱	۲.۰۰۷	۰.۰۴۵
بازده دارایی (ROA)	-۰.۰۱۹	-۱.۲۲۵	۰.۲۲۲
R ²	۰.۱۶۸		
سطح معناداری کل مدل			۰.۰۰۰

براساس نتایج مدل دوم، نوع استاندارد حسابداری تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود واقعی دارد. به این معنا که استانداردهای اصول محور از شدت دستکاری سود از طریق فعالیت های واقعی نیز می کاهند. این نتیجه با مطالعات Roychowdhury (۲۰۰۶) و Ronen & Yaari (۲۰۰۸) هم راستا است. مطابق نتایج به دست آمده، استانداردهای حسابداری اصول محور (در مقابل قواعدمحور) در کاهش هر دو نوع مدیریت سود (تعهدی و واقعی) نقش معناداری ایفا می کنند. این نتایج نشان می دهد که اصول محوری در تدوین استانداردها موجب انعطاف پذیری مسئولانه تر مدیران و محدودسازی فرصت های دستکاری سود می شود، که با نتایج تحقیقات (Abdolghany (۲۰۰۵)، Nelson (۲۰۰۳)، Taskumis et al. (۲۰۰۸) همخوانی دارد.

نتیجه گیری نهایی

یافته های این پژوهش نشان می دهد که نوع استانداردهای حسابداری مورد استفاده (اصولی محور در برابر قواعدمحور) نقش مهمی در مدیریت سود ایفا می کند. به طور خاص، نتایج تحلیل های آماری حاکی از آن است که استفاده از استانداردهای اصول محور منجر به کاهش معنادار مدیریت سود تعهدی و واقعی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می گردد.

این نتایج به طور مستقیم با مطالعات نظری و تجربی پیشین هم راستا هستند. برای مثال:

- Nelson (۲۰۰۳) و Schipper (۲۰۰۳) تأکید کرده اند که استانداردهای اصول محور، با ایجاد فضای تفسیری و مسئولیت پذیری بیشتر، احتمال تحریف سود را کاهش می دهند.



- Ronen & Yaari (۲۰۰۸) بر این باورند که اصول محوری موجب شکل گیری رفتار اخلاق مدارتر در بین مدیران می شود.
- پژوهش های داخلی همچون مشایخ و همکاران (۱۳۹۱) (و ثقفی و صدر اصفهانی (۱۳۹۶) نیز نشان داده اند که شفافیت و انعطاف پذیری استانداردها می تواند از شدت مدیریت سود بکاهد.

بر این اساس می توان گفت که انتخاب نوع استانداردهای حسابداری صرفاً یک مسئله فنی نیست، بلکه تأثیرات گسترده ای بر شفافیت اطلاعات مالی، اعتماد سرمایه گذاران، و سلامت بازار سرمایه دارد.

پیامدهای نظری پژوهش

۱. این تحقیق با گسترش ادبیات مربوط به نقش نوع استاندارد در مدیریت سود، نشان می دهد که ویژگی های ساختاری استانداردها (مانند تفسیر بودن یا قواعد محور بودن) می تواند رفتار گزارشگری مدیران را تحت تأثیر قرار دهد.
۲. یافته ها به ادبیات حسابداری بین المللی و تطبیقی کمک می کند تا تفاوت های فرهنگی و نهادی در اجرای استانداردها بهتر درک شود.

پیامدهای کاربردی برای سیاست گذاران و تدوین گران استاندارد

۱. سازمان حسابرسی و کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ایران می توانند با حرکت به سوی اصول محوری، کیفیت گزارشگری مالی را ارتقا دهند.
۲. حسابرسان مستقل می توانند توجه بیشتری به استانداردهایی که فضای تفسیر و قضاوت فراهم می کنند، داشته باشند تا رفتارهای فرصت طلبانه را بهتر شناسایی کنند.
۳. سرمایه گذاران و تحلیل گران مالی می توانند سطح اعتماد خود را نسبت به گزارش های مالی تحت استانداردهای اصول محور افزایش دهند.

پیشنهادهای پژوهش های آتی

۱. بررسی تفاوت بین صنایع مختلف در رابطه با مدیریت سود و نوع استاندارد مورد استفاده.
۲. تحلیل اثرات تعاملی بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی (مانند قدرت کمیته حسابرسی) و نوع استانداردها بر کیفیت گزارشگری مالی.



۳. گسترش مطالعه به شرکت های غیربورسی یا بازارهای مالی دیگر در کشورهای مشابه.

منابع:

منابع داخلی (فارسی):

- انصاری، ع.، دریسده، م.، و نرگسی، م. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر دستکاری فعالیت های واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان، دانشکده علوم اداری و اقتصاد.
- بلکوئی، ا. ر. (۱۳۹۲). تئوری های حسابداری (ترجمه ع. پارسائیان). تهران: انتشارات پژوهش های فرهنگی.
- ثقفی، ع.، و صدر اصفهانی، آ. (۱۳۹۶). پیامدهای دستکاری سود از طریق فعالیت های واقعی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۴(۴)، ۹۴-۱۰۶.
- ترک زهرانی، علی؛ دریائی، عباسعلی؛ محمدی خوشنوی، حمزه. (۱۴۰۳). بی ثباتی اقتصاد کلان، شاخص های حکمرانی خوب و مدیریت سود در بازار سرمایه ایران. دانش حسابداری مالی.
- چهارمحالی، ع. ا.، و ناظمی، ف. (۱۳۸۸). استانداردهای حسابداری مبتنی بر قواعد و استفاده نامناسب از اصول حسابداری. مجله حسابداری مدیریت، ۴(۱)، ۲۱-۱۲.
- رحمانی، ح.، و اکرمی، س. (۱۳۹۴). استانداردهای مبتنی بر اصول و قواعد در مورد حسابداری اجاره. مجله حسابرس، ۲۹، ۶-۶۴.
- فرزانی، ح.، و رضایپور، ن. (۱۳۹۳). بررسی مدیریت سود (مروری بر تحقیقات انجام شده). مجله بورس اقتصادی، ۳۴، ۲۴-۲۱.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۹۲). استانداردهای حسابداری ایران. تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.
- مشایخ، ب.، مهرانی، س.، مهرانی، ک.، و کرمی، غ. (۱۳۹۲). نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۰، ۱۲-۱۶.
- مشایخ، ش.، اربابی، ز.، و رحیمی فر، م. (۱۳۹۴). بررسی انگیزه های مدیریت سود. پژوهش حسابداری، ۳، ۱۴-۲۹.
- موالیی، م. (۱۳۹۱). تأثیر افشای داوطلبانه اطلاعات بر مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ناظمی، ا. (۱۳۹۲). رویکرد مبتنی بر اصول و رویکرد مبتنی بر قواعد در تدوین استانداردهای حسابداری. مجله حسابرس، ۹۹، ۱۶-۲۱.



- نوروش، ا.، سپاسی، س.، و نیکبخت، م. (۱۳۹۲). بررسی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران. نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۴۴(۴)، ۶۱۱-۶۱۲.
 - نیکخواه آزاد، ع.، و مجتهدزاده، و. (۱۳۸۹). بررسی حوزه های مسئولیت حسابرسان مستقل از دیدگاه استفاده کنندگان خدمات حسابرسی و حسابرسان مستقل. فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۴۱، ۶۲-۶۳.
 - هشی، ع.، بولو، ق.، و رشیدیان، س. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر بخش ۹۲۴ استانداردهای حسابرسی (رسیدگی به اطلاعات مالی آتی) بر کیفیت پیش بینی سود. فصلنامه تحقیقات حسابداری، ۹، ۲-۹۱.
 - ولی زاده لاریجانی، اعظم؛ ایران پور، ریحانه. (۱۴۰۳). تأثیر ابلاغ دستورالعمل حاکمیت شرکتی سازمان بورس و اوراق بهادار بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود. پژوهش های حسابداری مالی.
- منابع خارجی (انگلیسی):

- Alasfour, F. (۲۰۲۴). Earnings management: A synthesis of a century of research. SSRN. <https://doi.org/10.2139/ssrn.4747396>
- Abbas, N., & Farooq, A. (۲۰۲۴). A fresh look at earnings management: A scientometric analysis. Journal of Accounting and Finance.
- Abdelghany, K. H. (۲۰۰۵). Measuring the quality of earnings. Managerial Auditing Journal, ۲۰(۹), ۱۰۰۱-۱۰۱۵.
- Algharaballi, E., & Albuloushi, S. (۲۰۰۸). Evaluating the specification and power of benchmarks. Contemporary Accounting Research, ۲۷(۳), ۸۵۵-۸۸۸.
- Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (۱۹۹۸). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. Available at SSRN: <http://ssrn.com>
- Jones, J. J. (۱۹۹۱). Earnings management during import relief investigations. Journal of Accounting Research, ۲۹(۲), ۱۹۳-۲۲۸.
- Kang, S., & Sivaramakrishnan, K. (۱۹۹۵). Issues in testing earnings management and an instrumental variable approach. Journal of Accounting Research, ۳۳(۲), ۳۵۳-۳۶۷.
- Kothari, S. P., Leone, A. J., & Wasley, C. E. (۲۰۰۵). Performance matched discretionary accrual measures. Journal of Accounting and Economics, ۳۹(۱), ۱۶۳-۱۹۷.
- Nelson, M. W. (۲۰۰۳). Behavioral evidence on the effects of principles-based and rules-based standards. Accounting Horizons, ۱۷(۱), ۹۱-۱۰۴.
- Ronen, J., & Yaari, V. (۲۰۰۸). Earnings Management: Emerging insights in theory, practice, and research. Springer.
- Roychowdhury, S. (۲۰۰۶). Earnings management through real activities manipulation. Journal of Accounting and Economics, ۴۲(۳), ۳۳۵-۳۷۰.



- Schipper, K. (۲۰۰۳). Principles-based accounting standards. *Accounting Horizons*, ۱۷(۱).
- Stubben, S. R. (۲۰۱۰). Discretionary revenues as a measure of earnings management. *The Accounting Review*, ۸۵(۲), ۶۹۵-۷۱۷.
- Taskumis, G. T., Timothy, S., Douppnik, C., & Agoglia, P. (۲۰۰۸). Principles-based versus rules-based accounting standards: The influence of standard precision and audit committee strength on financial reporting decision. Available at SSRN: <http://ssrn.com>.
- Teddlie, C. (۲۰۰۷). Mixed methods sampling. *Journal of Mixed Methods Research*, ۱(۱), ۷۷-۱۰۰.
- Teoh, S. H., Welch, I., & Wong, T. J. (۱۹۹۸). Earnings management and the long-run market performance of initial public offerings. *Journal of Finance*, ۵۳(۶), ۱۹۳۵-۱۹۷۴.
- Ye, J. (۲۰۰۶). Accounting accruals and tests of earnings management. Working Paper, Baruch College.
- Yoon, S. S., & Miller, G. (۲۰۱۵). Cash from operations and earnings management in Korea. *The International Journal of Accounting*, ۳۷, ۱۷-۴۳.
- Yoon, S. S., Hyo, J. K., & Gregg, W. (۲۰۱۲). On the models and estimation of discretionary accruals. The ۱۶th Finance and Accounting Seminar (IFA).